

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۵۴۵۹ - ۲۰۲۴/۱۰/۳



دانشگاه رازی
دانشکده علوم اجتماعی
گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

مبانی هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا نسبت به دو گفتمان چپ و لیبرال در انقلاب
اسلامی ایران

استاد راهنما :

دکتر مسعود اخوان کاظمی

استاد مشاور :

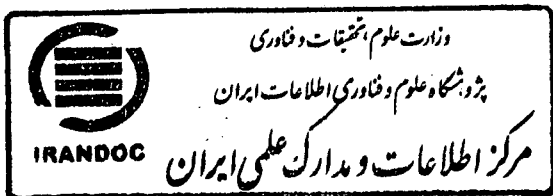
دکتر قدرت احمدیان

۱۳۹۰/۱/۲۰

نگارش:

رضا دهقانی

اسفند ماه ۱۳۸۹



۱۵۴۵۱۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشگاه رازی

دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی

نام دانشجو

رضا دهقانی

تحت عنوان

مبانی هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا نسبت به دو گفتمان چپ و لیبرال
در انقلاب اسلامی ایران

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۰۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنما

دکتر مسعود اخوان کاظمی

با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

۲- استاد مشاور

دکتر قدرت احمدیان

با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه

دکتر بهزاد خامه ای

با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه

دکتر حمیدرضا سعیدی نژاد

با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

تقدیم بہ

مادر م

و

یاد پدر م

سپاس پروردگاری را، آن نخستین بی‌میشین را، و آن آخرین بی‌پسین را، خداوندی را که دیده
میانان از دیدارش قاصر آید و اندیشه و اصقان از نعت او فروماند.

پس از سپاس یگانه، مستی، بر خود لازم می‌دانم تا از تمام کسانی که در به سرانجام رسیدن این پایان نامه مرا همراهی
نمودند تشکر و قدردانی نمایم.

از خانواده عزیزم که در دوره نگارش پایان نامه همراه و حامی من بودند تشکر و قدردانی می‌کنم. بخصوص از مادر
مهربانم که در این مدت زحمات مهربانانه و عطف و مادانه خویش پاسخ گفت و از پدر مهربانم که در سال‌های حیات
خویش از بیچ‌تلاشی در به موفقیت رسیدن من کوتاهی ننمود و امروز و فردا برای همیشه یاد او در قلب من جاودان خواهد
ماند.

از جناب آقای دکتر آخوندی در مقام استاد ارجمند، که در به شمر رسیدن این پایان نامه زحمات بسیاری را با توجه
به مشغله کاری فراوان کشید تشکر و قدردانی می‌کنم و از استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر احمدیان نیز تشکر می‌کنم که
حضورشان موجب هر چه غنی‌تر شدن این اثر گردید.

پنجمین از سایر اساتید گروه علوم سیاسی آقایان دکتر علیپور، دکتر خامه‌ای و دکتر ابوالفتحی تشکر می‌نمایم.
از دوستان و همکلاسی‌های خوبم که در این سال‌ها در کنار من و یاور من بودند تشکر می‌کنم و امیدوارم که خاطرات خوب در
کنار هم بودن از دل و ذهنمان هرگز پاک نگردد.

پنجمین از کارشناس محترم گروه علوم سیاسی، مسئولین محترم نمایه، مرجع، کتابخانه و سایر کارکنان دانشکده علوم
اجتماعی که در به فرجام رسیدن این پایان نامه نقش مهمی ایفا نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم.

چکیده:

رخداد انقلاب اسلامی ایران به عنوان رویدادی کم نظیر در سالهای پایانی قرن بیستم توجه بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و سیاسی را به خود جلب نمود، از این رو برای مطالعه این پدیده از نظریات و رویکردهای گوناگون بهره گرفته شد. اکثر این نظریات به چرایی رخداد انقلاب معطوف گردید و چرایی هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا به طور نظامند، کمتر مورد توجه قرار گرفت و شاید علت آن در نارسا بودن این نظریات در بیان این نکته است. تحلیل گفتمان بویژه خوانش لاکلا و موف، به دلیل دارا بودن قابلیت تحلیل موضوعات کلان اجتماعی فرصت ویژه ای را برای تبیین چرایی چیرگی و افول گفتمانها به طور نظامند و هدفمند در حوزه مطالعات جامعه شناسی سیاسی فراهم آورده است. کارویژه های بکار گرفته شده از گفتمان لاکلا و موف در این پژوهش به خوبی توانسته است چرایی هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا را در انقلاب اسلامی ایران تبیین نماید.

کلید واژه ها: تحلیل گفتمان، لاکلا و موف، هژمونی، گفتمان اسلامگرا، انقلاب اسلامی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱. شرح و بیان مسئله
۳	۲-۱. پیشینه و ادبیات موضوع
۶	۳-۱. سوال اصلی
۶	۴-۱. فرضیه
۶	۵-۱. متغیرها
۶	۱-۵-۱. متغیر مستقل
۶	۲-۵-۱. متغیر وابسته
۶	۶-۱. روش آزمون فرضیه
۶	۷-۱. اهداف تحقیق
۷	۸-۱. اهمیت موضوع
۸	فصل دوم: مباحث نظری
۹	۱-۲. پیش گفتار
۱۰	۲-۲. تحلیل گفتمان
۱۱	۳-۲. بنیاد نظری خوانش گفتمانی لاکلا و موف
۱۱	۱-۳-۲. گفتمان
۱۳	۲-۳-۲. دال و مدلول
۱۴	۳-۳-۲. دال مرکزی
۱۴	۴-۳-۲. دال های خالی
۱۴	۵-۳-۲. دال شناور
۱۴	۶-۳-۲. حوزه گفتمان‌نگی
۱۵	۴-۲. اختیاری بودن رابطه دال و مدلول
۱۶	۵-۲. مفصل بندی
۱۶	۶-۲. هم‌مونی
۱۸	۷-۲. قدرت
۱۸	۸-۲. خصومت، دگرسازی، هویت
۱۹	۱-۸-۲. فرایند منطق تفاوت و زنجیره هم ارزی
۱۹	۲-۸-۲. فرایند برجسته سازی و حاشیه رانی
۲۰	۹-۲. بی قراری
۲۱	۱۰-۲. اسطوره
۲۳	۱۱-۲. خوانش گفتمان انتقادی از منظر فرکلاف
۲۴	۱۲-۲. نتیجه گیری

۲۵	فصل سوم : مشروطیت از مشروطه تا مشروعه
۲۶	۱-۳. پیش گفتار
۲۷	۲-۳. مبانی گفتمانی مشروطه
۳۱	۳-۳. مشروعه در برابر مشروطه
۳۱	۱-۳-۳. قانون
۳۲	۲-۳-۳. آرای اکثریت
۳۲	۳-۳-۳. آزادی
۳۳	۴-۳-۳. برابری
۳۴	۵-۳. نتیجه گیری
۳۶	فصل چهارم : گفتمان پهلوی و گفتمان های رقیب
۳۷	۱-۴. پیش گفتار
۳۷	۲-۴. گفتمان پهلوی
۳۹	۳-۴. گفتمان چپ
۳۹	۱-۳-۴. تعریف چپ
۴۰	۲-۳-۴. چپ ایرانی
۴۱	۳-۳-۴. حزب توده
۴۱	۱-۳-۳-۴. مبانی گفتمانی
۴۳	۲-۳-۳-۴. دگرسازی
۴۶	۳-۳-۳-۴. پایگاه اجتماعی
۴۶	۴-۳-۴. گروههای چریکی
۴۷	۱-۴-۳-۴. سازمان چریکهای فدایی خلق
۴۸	۱-۱-۴-۳-۴. مبانی گفتمانی
۴۹	۲-۱-۴-۳-۴. پایگاه اجتماعی
۵۰	۳-۱-۴-۳-۴. دگرسازی
۵۱	۲-۴-۳-۴. سازمان مجاهدین خلق
۵۲	۱-۲-۴-۳-۴. مبانی گفتمانی
۵۵	۲-۲-۴-۳-۴. پایگاه اجتماعی
۵۵	۳-۲-۴-۳-۴. دگرسازی
۵۶	۴-۴. گفتمان ملی - لیبرال
۵۶	۱-۴-۴. جبهه ملی ایران
۵۸	۱-۱-۴-۴. مبانی گفتمانی
۶۰	۲-۴-۴. نهضت آزادی ایران
۶۰	۱-۲-۴-۴. مبانی گفتمانی
۶۱	۵-۴. گفتمان اسلامگرا
۶۱	۱-۵-۴. اسلام سنتی

۶۱ ۴-۵-۱-۱-آیت ابرو جردی
۶۲ ۴-۵-۲-اسلام سیاسی
۶۲ ۴-۵-۲-۱-فداییان اسلام
۶۴ ۴-۵-۲-۲-هیاتهای موتلفه اسلامی
۶۴ ۴-۵-۲-۳-حزب ملل اسلامی
۶۵ ۴-۵-۲-۴-امام خمینی
۶۸ ۴-۶-نتیجه گیری
۶۹ فصل پنجم : جمهوری اسلامی از دگرسازی تا تثبیت
۷۰ ۵-۱-پیش گفتار
۷۰ ۵-۲-مبانی گفتمانی جمهوری اسلامی
۷۳ ۵-۳-جریانهای سیاسی در جمهوری اسلامی
۷۳ ۵-۳-۱-حزب جمهوری اسلامی
۷۵ ۵-۳-۲-نهضت آزادی
۷۸ ۵-۳-۳-حزب جمهوری خواه خلق مسلمان
۷۹ ۵-۳-۴-جبهه ملی ایران
۸۱ ۵-۳-۵-سازمان مجاهدین خلق
۸۲ ۵-۳-۶-گروه فرقان
۸۵ ۵-۳-۷-سازمان چریکهای فدایی خلق
۸۷ ۵-۳-۸-حزب توده
۸۹ ۵-۳-۹-سازمان پیکار
۹۱ ۵-۴-نتیجه گیری
۹۲ فصل ششم : هژمونی مذهبی از مشروطه تا جمهوری اسلامی
۹۳ ۶-۱-پیش گفتار
۹۳ ۶-۲-چرایی هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا
۹۴ ۶-۲-۱-عواملان سیاسی
۹۴ ۶-۲-۱-۱-امام خمینی
۹۶ ۶-۲-۱-۲-روحانیون
۹۸ ۶-۲-۱-۳-جریانهای سیاسی-مذهبی
۹۹ ۶-۲-۲-برجسته سازی و حاشیه رانی
۱۱۰ ۶-۲-۳-دسترسی
۱۱۲ ۶-۲-۴-اعتبار
۱۱۴ ۶-۲-۵-عام گرایی
۱۱۷ ۶-۳-نتیجه گیری
۱۱۸ واپسین سخن
۱۲۰ منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱. شرح و بیان مسئله:

در فرایند شکل‌گیری انقلاب‌ها، اغلب جریانها و گروههای سیاسی متعددی حضور دارند، که سرنگونی حکومت حاکم و پایه‌گذاری نظامی جدید هدف مشترکشان است. ماهیت حکومت جدید و اینکه بر پایه چه تفکر و ایدئولوژی بنا شود، سرآغاز شکل‌گیری اختلافات میان جریانهای سیاسی است، که تا دیروز دارای هدفی مشترک بودند، که کنار هم قرارشان می‌داد، ولی امروز آن هدف مشترک به امری اختلاف‌انگیز تبدیل شده است؛ در این میان آن گروه یا جریان سیاسی که بتواند توده مردم را همراه خود به حرکت درآورد، تعیین‌کننده مبانی گفتمانی حکومت جدید خواهد بود.

ماجرای انقلاب اسلامی ایران نیز متمایز از این فرایند نیست. انقلابی که جلوه‌گاه حضور جریانهای سیاسی و اجتماعی گوناگون با آشخور فکری متفاوت بود، اما در یک هدف مشترک بودند و آن نیز سرنگونی حکومت پهلوی بود. حکومت پهلوی با اقدامات و روش‌های مستبدانه خویش راه هرگونه سازش را از میان برد و حتی جریانهای لیبرال را که خواستار اصلاحات در حکومت بودند و با روش انقلابی دیگر گروهها اختلاف نظر داشتند، را وادار ساخت تا در روزهای پایانی حکومت پهلوی با دیگر گروههای انقلابی بر سر سرنگونی حکومت به اتفاق نظر برسند.

گفتمان اسلامگرا، چپ و ملی - لیبرال سه گفتمانی بودند، که در برابر گفتمان پهلوی قرار گرفتند و پایه‌های گفتمانی آن را از هم فروپاشیدند و به دنبال سامان‌دهی امور بر اساس مبانی گفتمانی خویش برآمدند، اما سه گفتمان با سه دنیای متفاوت نمی‌توانستند یک نظم مبتنی بر رضایت همگی گروهها ایجاد کنند، از این رو تنها گفتمانی می‌توانست محتوای نظم جدید را مشخص کند، که از نفوذ بیشتری در حوزه عمومی برخوردار بود، و آن گفتمان، گفتمانی به جز گفتمان اسلامگرا نبود، که در نهایت توانست با طرد دیگر گفتمانهای رقیب به یگانه‌نظم‌دهنده نظام جدید درآید.

با توجه به این موارد ذکر شده دغدغه و مسئله اصلی ما در این پژوهش آن است که در فرآیند شکل‌گیری انقلاب و دوران استقرار جمهوری اسلامی گفتمان اسلامگرا بر چه اصل و مبنای توانست در میان توده مردم نفوذ کرده و به موقعیت هژمونیک دست یابد.

۱-۲. پیشینه و ادبیات موضوع:

انقلاب اسلامی ایران با توجه به اهمیتی که دارد، سبب گشته تا مطالعات فراوانی در این حیطه صورت پذیرد. جریان شناسی سیاسی انقلاب اسلامی از جمله موارد مطالعاتی این حوزه محسوب می شود که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. ظهور تحلیل گفتمان به عنوان روشی میان رشته ای در این چند دهه اخیر در دنیا و چند سال اخیر در ایران مورد توجه قرار گرفته و از این حیث سبب گشته تا مطالعات جریان شناسی بر مبنای تحلیل گفتمان به خصوص خوانش لاکلا و موف در ایران پی گرفته شود و به جز چند اثر در این قالب تلاش چندانی در این زمینه صورت نپذیرد، بر همین پایه مطالعه انقلاب اسلامی بر مبنای تحلیل گفتمان موضوعی است جدید که می تواند ابعاد گسترده تری از انقلاب اسلامی را به نمایش در آورد. مطالعاتی که مرتبط با این پژوهش صورت پذیرفته است چه در قالب تحلیل گفتمان و چه غیر از آن را در ذیل به طور مختصر شرح می دهیم:

کتاب «جریان شناسی سیاسی در ایران»:

این کتاب به قلم علی دارابی و توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سال ۱۳۸۸ انتشار یافت. این کتاب به بررسی جریانهای سیاسی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۲ شمسی می پردازد. که در نوع خود یکی از جامع ترین آثار در حوزه جریان شناسی سیاسی در ایران است، که البته بیشتر حجم کتاب معطوف به دوران پس از انقلاب است، از این رو چگونگی رابطه تحولات نظام جمهوری اسلامی ایران و جریان سیاسی اسلامگرا اصلی ترین پرسشی است که دارابی در کتاب خود به دنبال پاسخ گویی به آن است. براساس تحلیل های کتاب در تاریخ سیاسی معاصر ایران و در قیاس با جریانات سیاسی همچون ملی گرا، مارکسیستی، التقاطی و سلطنت طلب این جریان اسلامگرا است که بزرگترین و اصیل ترین جریان سیاسی کشور محسوب می شود.

روش مورد استفاده دارابی در این اثر تحلیل مسائل بر اساس نظریات شکاف های اجتماعی است. تلاش نویسنده در این اثر آن بوده است که رخدادها و تحولات سیاسی را با نگاه به سیر تکوین و تکامل جریان سیاسی همراه سازد.

کتاب «اسلام سیاسی در ایران»:

این کتاب به قلم دکتر سید محمدعلی حسینی زاده و توسط انتشارات دانشگاه مفید قم در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسید. حسینی زاده با کسب دیدگاه گفتمانی سیر پژوهشی خود را در این کتاب طی می کند. اسلام سیاسی از نظر او به دسته ای از جریانات اسلامی اطلاق می شود که خواهان به دست گیری قدرت و شکل دهی به جامعه هستند.

گفتمان اسلام سیاسی از نظر حسینی زاده دو رقیب عمده دارد. یکی فقه سنتی و دیگری سکولارها که اسلام سیاسی در نهایت آنها را کنار می‌نهد. حسینی زاده برای پیدایی اسلام سیاسی کار خویش را از دوران مشروطه آغاز می‌نماید و با دوران اصلاحات در جمهوری اسلامی کار خود را به پایان می‌رساند. نویسنده در فصول مختلف کتاب با دنبال کردن سیر تکوین و تکامل اسلام سیاسی به دنبال آن است تا علل شکل‌گیری و تداوم اسلام سیاسی را در ایران مشخص سازد. کتاب با مبنا قراردادن گفتمان اسلام سیاسی به بررسی کلی گفتمانهای رقیب آن نیز می‌پردازد و منازعات گفتمانی آنها را با عناصر گفتمان اسلام سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

از نظر او تا سال ۱۳۶۸ و رحلت امام خمینی گفتمان اسلام سیاسی توانسته بود تمام رقیبان خویش را از صحنه بیرون راند، اما از این زمان به بعد، اسلام سیاسی از درون شروع به دگرسازی کرده و گفتمان اصلاح طلب حاصل این منازعه درون گفتمانی بود. حسینی زاده در پایان کتاب نتیجه می‌گیرد که اسلام سیاسی در ایران هنوز چالش بنیادی پیش رو ندارد و رقیبان قدرتمندی را روبروی خود ندارد.

کتاب «قدرت، گفتمان و زبان»:

این کتاب به قلم علی اصغر سلطانی و توسط انتشارات نی در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسید. سلطانی در این کتاب به بررسی سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران که عنوان فرعی کتاب را نیز تشکیل می‌دهد، را مورد بررسی قرار می‌دهد. کتاب از دو بخش اصلی سامان یافته است. بخش اول به مباحث نظری می‌پردازد و رویکردهای تحلیل گفتمان را بررسی می‌کند. در همین راستا دو گروه از نظریه‌ها را که یکی ریشه در زبان‌شناسی و دیگری ریشه در فلسفه سیاسی دارد را مرور می‌کند و سرانجام با ترکیب تحلیل گفتمان فرکلاف و نظریه گفتمان لاکلا و موف چارچوب نظری مناسبی را برای تحلیل بخش دوم فراهم می‌کند.

بخش دوم کتاب به تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی می‌پردازد. ابتدایی این بخش به پیدایش گفتمان انقلاب اسلامی و تحول در آن می‌پردازد و در ادامه پیدایی گفتمان اصلاح طلب از درون آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در تمام این بخش سلطانی با تحلیل گفتمان جلو رفته و تا پایان نیز بر همین روش پایبند است. عمده بحث کتاب بر سر تحولات درون گفتمانی، گفتمان انقلاب اسلامی و منازعات مابین محافظه کاران و اصلاح طلبان در جامعه بطور عام و مطبوعات بطور خاص است.

سوال اصلی این کتاب آن است که قدرت چگونه در متون مطبوعاتی جریان پیدا می‌کند و در پاسخ مطرح می‌کند که قدرت پنهان در گفتمانهای سیاسی به واسطه فرایندهای دوگانه برجسته سازی و حاشیه رانی در جامعه و مطبوعات جریان می‌یابد. سلطانی بر این اعتقاد است که بررسی مفصل پندی این گفتمانها

در سالهای ۱۳۵۷، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۲ نشان می دهد که احتمالاً جامعه ایران در حال گذار از سنت گرایی محض به سوی نوعی سازگاری میان سنت گرایی و تجدد گرایی است؛ گرچه تجدد گرایی سکولار در سال های اول انقلاب به حاشیه رانده شد، ولی در لباسی جدید در گفتمان اصلاح طلب دوباره ظهور کرد و در مدت حضور دوباره خویش در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تأثیرات عمیقی بر سنت گرایی بر جای گذاشت.

کتاب «گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران»:

این کتاب به تالیف علی اشرف نظری و بهاره سازمند و توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید. مولفان کتاب بر این باورند که انقلاب اسلامی ایران توانست با بهره گیری از نظام معنایی و اندیشه ای بدیع و عمیق یعنی توسل به آموزه های اصیل دینی خود هویتی نوین و تحول ساز ایجاد کند. مساله اصلی در این کتاب آن است که به رغم وجود تنوعات هویتی موجود در جامعه پیش از انقلاب و ورود جریانهای فکری ایدئولوژی بیگانه چگونه اسلام شیعی توانست به عنوان منبع معنا بخش و به مرجع یگانه هویت دهی مبدل شود و طی فرایند هویت سازی انسجام و از دست رفته ناشی از بحران هویت را به جامعه برگرداند.

کتاب حاضر نخست مفهوم هویت را از منظر روش تحلیل گفتمان تبیین و سپس گفتمانهای هویتی جامعه سیاسی ایران را در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ را بررسی می کند و در ادامه به بحث درباره چگونگی مرکزیت یافتن گفتمان اسلامی - شیعی در انقلاب اسلامی می پردازد و در پایان فرایند هویت سازی پس از انقلاب را بررسی می کند.

کتاب «طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران»:

این کتاب به قلم منصور معدل و ترجمه محمد سالار کسرائی، توسط مرکز بازشناسی اسلام و ایران در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید.

نویسنده در این کتاب اعتقاد دارد، که انقلاب ایران ثمره همپوشی دو مجموعه اختلاف در یک بستر است، یکی اختلاف تاجران و خرده بورژواها با سرمایه داران بین المللی و بورژوازی وابسته و دیگری اختلاف بین کارگران و سرمایه داران، که در نتیجه مشکلات اقتصادی دهه ۱۹۷۰ شدت گرفته بود. اما انقلاب ایران در نتیجه رشد گفتمان انقلابی شیعه به عنوان ایدئولوژی جبهه مخالف به وقوع پیوست. رشد ایدئولوژی شیعه با افول ایدئولوژیهای متناقض نما ملی گرا و مارکسیستی همزمان شد. نتیجه گرفته شده از این کتاب آن است که گفتمان زو به رشد انقلابی شیعه، مشکلات اقتصادی و نارضایتی های دهه ۱۹۷۰ را به بحران انقلابی تبدیل کرد.

۱-۳. سوال اصلی:

«گفتمان اسلامگرا چگونه در فرایند شکل گیری انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی توانست، نسبت به دو گفتمان چپ و ملی- لیبرال موقعیت هژمونیک برخوردار شود؟»

۱-۴. فرضیه:

«گفتمان اسلامگرا با اتکا به عاملان سیاسی و بهره گیری از فرایند دو گانه برجسته سازی و حاشیه رانی، قابلیت دسترسی، اعتبار و عام گرایی توانست موقعیت هژمونیک را نسبت به دو گفتمان دیگر از آن خود نماید.»

۱-۵. متغیرها:

۱-۵-۱. متغیر مستقل:

عاملان سیاسی، برجسته سازی و حاشیه رانی، دسترسی، اعتبار و عام گرایی

۱-۵-۲. متغیر وابسته:

هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا در انقلاب اسلامی

۱-۶. روش آزمون فرضیه:

روش استفاد شده در این پژوهش، تحلیل گفتمان است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه ای که شامل بررسی کتابها، مجلات، مقالات، منابع اینترنتی و چند رسانه ای می باشد. در این روش سه فرایند برای رسیدن به کمال مطلوب پشت سر گذاشته شد.

فرایند اول شامل گردآوری مطالب با استفاده از کتابها، مقالات، مجلات، اسناد و منابع چند رسانه می- باشد. در واقع در اینجا داده‌های خام پژوهش گردآوری می شود. فرایند دوم به دسته بندی مطالب گردآوری شده به روش فیش برداری است، که مطالب مورد نیاز و مرتبط با پژوهش از سایر اطلاعات جدا می گردد. فرایند سوم عملیاتی شدن پژوهش است، که در آن با توجه به داده های خام گردآوری شده و دانش پژوهشگر به تحلیل مطالب پرداخته و درستی یا نادرستی فرضیه را به آزمون می گذاریم.

۱-۷. اهداف تحقیق:

هدف اصلی مد نظر در این پژوهش، تبیین یک فرایند سیاسی در قالب روش تحلیل گفتمان است. چرایی هژمونیک شدن گفتمان اسلامگرا در انقلاب اسلامی ایران هدف اصلی مورد نظر ما را شکل می دهد. کنار این هدف اصلی، بازخوانی جریانهای سیاسی در روند این فرایند هدف فرعی ما را شکل می دهد. واکاوی هدف فرعی ما را به هدف اصلی می رساند.

به سخن دیگر از فرع به اصل می خواهیم برسیم. مطالعه جریانهای سیاسی از مشروطه تا جمهوری اسلامی و آشنایی با نحوه سازمان یابی، شیوه مبارزاتی و رهبری و پیدایی نقاط ضعف و قوت آنها در نهایت ما را قادر می سازد تا به این موضوع که چرا گفتمان اسلامگرا توانست هژمونیک شود، در قالب تحلیل گفتمان پاسخ دهیم. تحلیل گفتمان به دلیل خاصیت درونگری که دارد، این فرصت را به ما می دهد تا در بررسی جریانهای سیاسی متأثر از گفتمانهای سه گانه حاضر در این پژوهش به کندوکاو درونی هر یک از این جریانها پردازیم، تا با آشنا شدن با عناصر گفتمانی آنها به دو هدف خویش دست یابیم.

۱-۸. اهمیت موضوع:

انقلاب اسلامی ایران در حوزه جامعه شناسی سیاسی یکی از موضوعات مهم مطالعاتی محسوب می گردد که با گذشت ۳۲ سال از وقوع آن همچنان پژوهش ها و مطالعات متنوعی در این خصوص صورت می پذیرد که این نشان از اهمیت موضوع دارد. یکی از شاخه های مهم مطالعات انقلاب، جریان شناسی سیاسی است. جریانهای سیاسی بخش مهمی از یک جامعه را شکل می دهند و در حقیقت شریانهای اصلی حیات یک جامعه هستند. نحوه برخورد حکومت با جریانهای سیاسی، تعیین کننده نوع رابطه میان آنها است. تعامل و تقابل محصول دو نوع برخورد متفاوت حکومت با جریانهای سیاسی است.

تعامل تضمین کننده ادامه حیات و پویایی هر چه بیشتر حکومت است، در حالی که تقابل بر مشکلات افزوده و ادامه حیات حکومت را با مشکل مواجه خواهد ساخت و در نهایت زمینه سقوط را فراهم می نماید. تجربه انقلاب ایران نشانی از نحوه تقابل پهلوی با جریانهای سیاسی بود، که در نهایت سبب سقوط آن شد. اهمیت این پژوهش در آن است، که نشان می دهد جریانهای سیاسی در زمان تقابل حکومت با آنها چگونه شکل می گیرند، چگونه فعالیت می کنند، چگونه سازماندهی می شوند و در ارتباط با هم چه کنشی دارند و از سوی دیگر نشان می دهد که این جریانها پس از کسب پیروزی چه واکنشی از خود نشان می دهند، نسبت به مواضع پیشین خویش چه تغییراتی می دهند، نسبت به نظام جدید چه رویکردی را اتخاذ می کنند. به سخن دیگر شناخت گذشته جریانهای سیاسی و مقایسه آن با حال و احوال امروزی آن امکان ایجاد دیدگاهی معرفت شناسانه را در پیش روی مخاطب قرار می دهد.

فصل دوم

مباحث نظری

۲-۱. پیش گفتار:

برای انجام هر کاری به یکسری ابزار و وسایل مختص به آن نیاز است. از همین رو نیاز است تا پژوهشگر به ارائه چارچوب نظری و روش شناختی برای بررسی طرح کلان خویش مبادرت ورزد. در حیطه علوم انسانی نیز برای شناخت هر چه بیشتر و بهتر پدیده‌ها و رفتارهای انسانی و اجتماعی از دیدگاه‌های مختلف نظری از جمله پوزیتیویسم، مارکسیسم، سازه‌انگاری، هرمنوتیک و ... بهره گرفته می‌شود. یکی از رویکردهایی که در دو دهه اخیر و به دلیل داشتن ماهیت میان رشته‌ای توانسته در مدت زمانی اندک رشد گسترده‌ای داشته باشد، تحلیل گفتمان به خصوص خوانش ارنست لاکلا^۱ و شنتال موف^۲ است. لاکلا و موف از راه بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی مانند مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، سوسور و دیگران، نظریه گفتمان خود را در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی»^۳ شکل دادند.

نظریه لاکلا و موف ریشه در دو سنت نظری ساختارگرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسور دارد. مارکسیسم مبانی اندیشه در امر اجتماعی را برای این نظریه فراهم می‌آورد و زبان‌شناسی ساختارگرایی سوسور نظریه معنایی مورد نیاز این دیدگاه را ایجاد می‌کند. آمیزش این دو دیدگاه، در نظریه گفتمان لاکلا و موف زمینه ساز پیدایش نظریه ساختارگرایانه شد که بر پایه آن، همه حوزه‌های اجتماع مانند شبکه‌ای از فرآیند‌های گوناگونی دریافت می‌شوند، که به تولید معنا می‌انجامند. نظریه گفتمانی لاکلا و موف به دلیل ماهیت درونگر خویش از امکان ویژه‌ای برای بررسی چرایی هژمونیک شدن گفتمان‌ها برخوردار است.

خوانش لاکلا و موف دارای کاستی‌هایی می‌باشد، که می‌توان این نقایص را نیز با قراردادن خوانش نورمن فرکلاف^۴ از آن رفع نمود. نظریه گفتمان فرکلاف بر پایه بررسی متون و گفتار استوار گردیده است. که از همین رو امکان ویژه‌ای برای بررسی فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان در اختیار نظریه لاکلا و موف می‌گذارد. تحلیل گفتمان به طور عام و خوانش لاکلا و موف به طور خاص به دلیل توانایی که در توضیح روند شکل‌گیری یک گفتمان، درگیریهایی میان گفتمانی، اوج و افول یک گفتمان دارا است، از

^۱. Ernesto Laclau

^۲. Chantal Mouffe

^۳. Hegemony and Socialist Strategy

^۴. Norman Firclough

امتیاز بیشتری نسبت به سایر روشها در تبیین و تفسیر رویدادها و پدیده‌ها بخصوص انقلاب اسلامی برخوردار است و به همین دلیل به عنوان مبنای تئوریک در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در این فصل سعی خواهد شد به تشریح خوانش لاکلا و موف و تا حدودی نیز خوانش فرکلاف به عنوان یک چارچوب مطالعاتی پرداخته شود.

۲-۲. تحلیل گفتمان^۱:

گرچه زبان‌شناسان مدتها از تحلیل گفتمان غافل مانده بودند، اما زلیگ هریس زبان‌شناس ساختار گرای انگلیسی، بررسی واحدهای بزرگتر از جمله را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید (سلطانی ب: ۱۳۸۳، ۱۵۴). تحلیل گفتمان در معنای فنی تر خود به مجموعه‌ای بی‌طرف از ابزارهای روش‌شناسی برای تحلیل کلامها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات و ... اشاره دارد (مارش و استوکر: ۱۳۸۸، ۱۹۶). سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در چارچوب سه شاخه تحلیل گفتمان ساختارگرا، نقش‌گرا و انتقادی بررسی نمود. زبان‌شناسی ساختارگرا گفتمان را مجموعه‌ای از جملات می‌داند که با هم دارای ارتباط ساختاری هستند. از دید هریس واحدهای سازنده یک متن، به ترتیب کوچک به بزرگ، عبارتند از تکواژه، عبارت‌ها، بندها و جمله‌ها.

بدین ترتیب، مطالعه واحدهای کوچکتر از جمله، وظیفه دستور زبان و مطالعه واحدهای بزرگتر از جمله، وظیفه تحلیل گفتمان است (سلطانی: ۱۳۸۴، ۲۸). برخی دیگر از زبان‌شناسان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی مفهوم بافت را وارد تحلیل گفتمان کردند و نقش‌های زبانی را مورد تاکید قرار دادند که به تحلیل گفتمان نقش‌گرا معروف گشت. این گفتمان به دنبال آن است که در یابد واحدهای زبانی خاص و روابط صوری میان آنها در یک شرایط زمانی و مکانی محدود، چگونه می‌توانند معنای خاصی را ایجاد کنند.

دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی زمان گسترش زبان‌شناسی انتقادی بود. در این زمان، زبان‌شناسان مفاهیمی چون قدرت و ایدئولوژی را، در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی، وارد تحلیل گفتمان کردند که این کار، رهاورد تلاش فکری اندیشمندانی چون میشل فوکو، نورمن فرکلاف، لاکلا و موف بود. رویکرد انتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی، به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی اعمال گفتمانی و یا تأثیرات اجتماعی آنها توجه نداشته و صرفاً به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی بسنده می‌کند. اما تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی و قدرت، سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰). گفتمان انتقادی برخلاف تحلیل‌های سنتی که بر سطح توصیف استوار بودند، حوزه‌های گسترده‌تر

^۱.discourse analysis